

اهمیت و ضرورت تداوم سکونت در احیاء خانه‌های تاریخی آسیب‌شناسی باز کاربری‌های غیرمستقیم در خانه‌های تاریخی شهر یزد

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۷

کد مقاله: ۱۱۸۶۰

فرحناز السادات مدرس مصدق^۱، حمید میرجانی^۲،
محسن عباسی^۳

چکیده

امروزه بافت تاریخی و ارزشمند شهر یزد با مشکلات عدیده‌ای از جمله از دست دادن ساکنین اصیل بافت و به تبع آن خالی شدن حجم گسترده‌ای از بناهای مسکونی از سکنه مواجه است. جهت حل معضل یاد شده راهکارهای متنوعی تا به حال در قالب سیاست‌های عملی به بناها و بافت‌های تاریخی با عنوان کلی احیاء اعمال شده است. نمونه‌ای از این راهکارها را می‌توان تغییر کاربری بناهای تاریخی نام برد. چنین راهکاری در قالب تغییر کاربری خانه‌های تاریخی گاهی به معضل ذکر شده دامن زده و نه تنها سبب کوچ همین تعداد اندک که در بافت سکونت داشتند، می‌شود بلکه آسیب‌هایی را به بنا و بافت وارد می‌کنند. جهت حفظ مردم اصیل و احیاء مناسب بافت تاریخی، آن دسته از اقدامات، بیشتر می‌توانند مؤثر باشند که سکونت و تداوم سنت زیستن را در بخش اصیل شهرهای تاریخی ایجاد کنند. این مقاله بر آن است تا از رهگذر آسیب‌شناسی تغییر کاربری‌های نامناسب خانه‌های تاریخی یزد، احیاء مجدد خانه در مقام خانه را مناسب‌ترین راه جهت احیاء زندگی در بافت بیان کند. برای رسیدن به این هدف از روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، استفاده و از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و مشاهدات میدانی به عنوان ابزارهای جمع آوری داده‌های موجود در این زمینه بهره گرفته شده است. با بهره‌گیری از این روش تحقیق و کدگذاری داده‌های شناسایی شده، به آسیب‌های تغییر کاربری بناهای تاریخی در دو حوزه بنا و بافت به تفکیک پرداخته و با بیان این آسیب‌ها بر باز کاربری مستقیم بناهای تاریخی به خصوص در مورد خانه‌های مسکونی تاکید و از آن به عنوان بهترین الگوی فهم و تأثیر پذیری از میراث ارزشی گذشته، که یک سرمایه‌ی ارزشمند اما مغفول مانده است، یاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: سکونت در خانه‌های تاریخی، باز کاربری، تغییر کاربری، خانه‌های تاریخی، بافت تاریخی

۱- فرحناز السادات مدرس مصدق، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد (مسئول مکاتبات)،
farahnazmodares@yahoo.com

۲- حمید میرجانی، دکترای تخصصی معماری، عضو هیئت علمی، استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

۳- محسن عباسی، دکترای تخصصی مرمت، عضو هیئت علمی، استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد

امروزه فرسودگی بافت تاریخی و جذابیت‌های ظاهری و رفاهی مراکز سکونتی جدید، ساکنین اصیل بافت را به سوی بیرون از آن هدایت کرده و باعث توسعه شهر از بیرون و تخلیه بافت از درون شده است که این خود تهدیدی برای میراث ارزشمند کشورمان به حساب می‌آید. بافت تاریخی شهر یزد با وسعت تقریبی ۷۰۰ هکتار در دو دهه اخیر به منظور حفظ و تقویت جمعیت بومی محمل مداخلاتی در مقیاس‌های مختلف بوده است. از جمله این مداخلات تزریق کاربری‌های جدید به خانه‌های قدیم در قالب کاربری‌های گوناگون است، که به عنوان نوعی راهکار حفاظتی پیرامون بناها و بافت‌های تاریخی مطرح می‌باشد. نگرشی که مبتنی بر حفاظت و تداوم حیات خانه‌های تاریخی و به تبع آن بافت تاریخی می‌باشد. این اقدامات در شرایطی که روند تخریب و فرسایش این گونه بناها و در مقیاس بزرگتر بافت‌ها به سرعت در حال پیشروی است بسیار ارزشمند است. در واقع انتخاب میان تغییر کاربری خانه‌ها یا نادیده گرفتن آنان انتخاب بین بد و بدتر است، به بیان دیگر تغییر کاربری یک راه حداقلی برون رفت از تخریب است ولی بهترین راه نیست.

اما آنچه در این بناها به صورت تغییر کاربری و به نام احیا روی می‌دهد در اکثر موارد تحمیل کاربری به بنا است، کاربری که در اکثر موارد نه تنها تناسبی با خانه تاریخی نداشته بلکه باعث شکل‌گیری سندرم شبه احیا و بعضاً ضد احیا در بناهای تاریخی می‌شود و آسیبی بزرگ به بافت را موجب می‌گردد. غلطیدن به دامان افراط‌گرایی در حوزه تغییر کاربری در خصوص خانه‌های تاریخی، تغییر بی‌حد و مرز کاربری‌های مسکونی موجود و تبدیل آن‌ها به کاربری‌های عمومی عملاً نتیجه‌ای جز ایجاد عرصه‌های نمایشی و خالی از صاحبان اصلی آن‌ها در بافت تاریخی نخواهد داشت و چنان که از تجربه‌های معاصر هویداست به تشدید تخریب این بافت‌ها منجر خواهد شد. نگارندگان با دانستن این موضوع که باز کاربری غیرمستقیم (تغییر کاربری) پاسخی است به عدم استقبال افراد به سکونت در خانه‌های تاریخی که اگر در حال حاضر این راهکار نبود وضعیت در بافت بدتر میشد؛ به دنبال تأکید بر باز کاربری مستقیم خانه‌ها و بیان پیامدهای منفی تغییر کاربری خانه‌های بافت تاریخی شهر یزد می‌باشند. اگر از طریق باز کاربری مستقیم-خانه در نقش خانه- در خانه‌های تاریخی، زندگی دوباره به این خانه‌ها و در نتیجه بافت، داده شود به نظر می‌رسد که بتوان بخش عمده‌ای از مشکلات بافت را حل و به احیاء میراث ارزشی کشور کمک کرد.

در نظریه‌های حفاظتی به کرات در این باره بحث شده و بعضاً اولویت را به کاربری اولیه بنا جهت احیا بناهای تاریخی داده اند. به طور مثال در میان صاحب نظران در حوزه کارکرد بناهای تاریخی، فیلدن اعتقاد دارد تفویض کارکردهای سازگار به بناهای تاریخی در بیشتر موارد یگانه شیوه‌ای است که صیانت از ارزش‌های تاریخی و زیبایی‌شناسی اثر را به لحاظ اقتصادی ممکن می‌کند (Fielden, 2003, 10). جان راسکین فیلسوف انگلیسی و کامیلیو سیت معمار اتریشی اشاره دارند که کاربری پیشنهادی بناها و بافت‌های کهن باید در جهت تداوم تاریخی باشد به عبارتی باید عملکردی هم‌سنگ عملکرد قبلی خود داشته باشند (حیبی، ۱۳۹۱، ۵۷ و ۵۹). معماران دیگر، آلدوراسی و برنارد جومی به ترتیب اعتقاد دارند کاربری باید هماهنگ و هم سو با کالبد باشد به نحوی که هیچ لطمه‌ای به شکل وارد نشود و کاربری پیشنهادی بر مبنای زمینه صورت گیرد (همان، ۱۳۹۱، ۶۳ و ۶۴). داگلاس می‌گوید استفاده‌ای که از بناهای تاریخی می‌شود باید تا حد امکان نزدیک و همسنگ با استفاده‌ای باشد که قبل از آن صورت می‌گرفته است (Douglas, 2002, 110). هرچند در صورت عدم امکان باز کاربری، افرادی چون لیوناردو الکساندر، کنستانتین دوکسیادس، کامیلو بویی تو، لئوناردو بنه ولو، لودویکو کوارونی کنزوتانگه، و ... به معاصر سازی کاربری‌های بناهای تاریخی تأکید داشتند (حیبی، ۱۳۹۱، ۶۹-۵۷). در میان منشورها و قطع‌نامه‌ها و مصوبات جهانی کنگره ونیز در سال ۱۹۶۴، معاهده حفظ میراث و فرهنگ جهانی در سال ۱۹۷۳، به تداوم کاربری بناهای تاریخی اشاره داشتند (همان، ۱۳۹۱، ۱۴۰ و ۱۳۶). همچنین منشور بورا در سال ۱۹۹۶ کاربری سازگار با مکان تاریخی را تأکید داشت (همان، ۱۳۹۱، ۱۵۲). اما در این بین سند ناراً، بیانیه درسدن^۱، بیانیه لوزان^۲، توصیه نامه یونسکو^۳، بیانیه بوداپست^۴، شورای اروپا^۵، بیانیه استکهلم^۶ و ... بر معاصر سازی کارکردهای بناهای تاریخی تأکید داشتند (همان، ۱۳۹۱، ۱۵۵-۱۳۱). مطالب مذکور به صورت عام همه بناهای تاریخی را شامل می‌شود، اما از منظر این مقاله تداوم کاربری اصیل خانه‌های سنتی که همان سکونت است اهمیتی به مراتب بیشتر از باز کاربری دیگر، بناهای تاریخی دارد.

هدف اصلی مقاله بیان دلایل استفاده مجدد سکونتی از خانه‌های سنتی بافت تاریخی شهر یزد یا به عبارتی شناسایی آسیب‌های تغییر کاربری آن می‌باشد. سوال اصلی مقاله این است که چرا کاربری مسکونی در خانه‌های سنتی شهر یزد نسبت به سایر کاربری‌ها اولویت دارد؟ جهت رسیدن به پاسخ سوال، از مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه با سکنه، داده‌هایی در خصوص معضلات تغییر کاربری خانه‌های تاریخی جمع‌آوری شده است. در مرحله بعد با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده، برای رسیدن به یافته‌های جدید از راهبرد گردنند تئوری^۷، کدگذاری هدفمند و استدلال استقرائی استفاده شده است. این روش با گردآوری داده‌ها که همان آسیب‌های تغییر کاربری خانه‌های تاریخی هستند، آغاز شده و پس از تحلیل داده‌ها در طی فرایندی نظام مند نتایج استخراج می‌شوند. به تعبیری دیگر هدف این مقاله شناسایی پیامدهای منفی تغییر کاربری خانه‌های تاریخی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۲- آسیب‌های باز کاربری غیرمستقیم^۹ خانه‌های تاریخی در شهر یزد

باز کاربری غیرمستقیم امروزه امری رایج در حفاظت بناهای تاریخی به شمار می‌رود و یزد از این بابت به لحاظ کمیت ابنیه، سرآمد کشور می‌باشد. باز کاربری همچون سایر اقدامات حفاظتی تبعات مثبت و منفی خاص خود را در امر حفاظت بناهای تاریخی دارد اما عدم رعایت اصول اولیه و چارچوب‌های ظریف حفاظتی، بعضاً باز کاربری غیرمستقیم را به چالشی در بناهای تاریخی میدل می‌سازد که راه برون رفت از آن دشوار است. در ادامه در قالب مشاهده ابنیه تاریخی که این گونه مداخلات در آن‌ها اتفاق افتاده سعی خواهد شد در قالب یک نگاه آسیب شناسانه مشکلات و معضلات تبعی افراط در این رویکرد در دو مقیاس بنا و بافت تاریخی ارائه گردد.

۳- در مقیاس بنا

۳-۲- استحاله ماهیت خانه

حیات و زندگی اثر معماری در گرو وجود و تداوم سه وجه کالبد، کارکرد و معناست. بدیهی است با تخریب کالبد، معماری دیگر وجود نخواهد داشت یا حذف یا مسخ کارکرد معماری یک وجه اساسی دیگر خود را که یکی از پایه‌های سه گانه استواری آن است از دست خواهد داد. با حذف یا استحاله هریک از دو وجه کالبد یا کارکرد معنای معماری نیز که حاصل تعامل و برآیند دو وجه قبلی است (عباسی، ۱۳۹۲، ۵۵) در محاق رفته و دگرگون می‌شود. بی توجهی به جوهر کارکردی در تهیه طرح‌های احیا خانه‌های تاریخی و تبدیل ناآگاهانه آن‌ها به موزه، غذاخوری، مراکز فرهنگی، هتل و ... ضمن تغییر ماهیت آن‌ها از خصوصی به عمومی با تقسیم فضاهای داخلی به عرصه‌های مستقل و محصور، امکان ادراک سلسله مراتب فضایی و چشم اندازهای وابسته به هم را محدود و معنای آن‌ها را تحریف می‌کند. علاوه بر موارد ذکر شده استقرار کاربری‌هایی نامتناسب با شأن، کیفیات یا روحیات خاص بافت تاریخی که در آن‌ها مناسبتی ندارد، حال و هوای خود ساختمان و عناصر آن را به دلیل نبود هماهنگی بین مبلمان و فضای موجود از بین می‌برد. تحمیل کاربری‌هایی که دارای روحیه ای کاذب، تصنعی یا بعضاً مخدوش کننده اند، چهره اصیل و ریشه دار فرهنگ و هویت تاریخی بنا و بافت را نابود می‌کنند که در این زمینه توجهات اقتصادی، جلب توریست و ... قابل پذیرش نخواهد بود. چنین اقدامات مقطعی و کوتاه بینانه موجب از بین رفتن اصالت بصری بناهای تاریخی، ماهیت اثر و همچنین از بین رفتن قسمتی از تاریخ شهر می‌شود. با تغییر در ماهیت وجودی اثر، فارغ از ارزیابی اینکه در شکل جدید استفاده از بنا اتفاق مثبت یا منفی واقع شود، بنا از آنچه که بوده فاصله می‌گیرد به عبارتی اصالت^{۱۰} بنا خدشه دار می‌شود. از نظر حفاظت^{۱۱} زمانی که ماهیت وجودی بنا تغییر یابد حفاظت به شکل کامل صورت نگرفته و این امر با حفاظت تناقض نظری دارد. در واقع با چنین تغییراتی در کالبد و حضور چنین کاربری‌هایی در خانه‌های تاریخی نه تنها حفاظت صورت نگرفته بلکه معنای معماری که حاصل تعامل دو وجه کالبد و کارکرد می‌باشد به منصفه ظهور نمی‌رسد. می‌توان گفت یک خانه به واسطه نیاز به فضای سکونت ساخته می‌شده و سپس در طول زمان در صورت لزوم کالبد آن، تکامل می‌یافته است. به تبع تحقق کارکرد (سکونت) در کالبد این خانه، معنای سکونت در آن متجلی می‌شده که ابعاد و ویژگی‌های کالبد و کارکرد با آن رابطه تنگاتنگی داشته و برآیند این دو وجه است که وجه معنایی را شکل می‌دهد است. (عباسی، ۱۳۹۴، ۶۲) که با تغییر کاربری، این وجه محو می‌گردد.

۳-۲- افزایش احتمال آسیب‌های کالبدی

بنا به واسطه ماهیت مادی خود محکوم به فرسایش و تخریب است. فرسودگی بنا با حجم کاربران آن رابطه مستقیم دارد، به گونه ای که هرچه حجم کاربران افزایش یابد شیب فرسودگی بنا در گذر زمان افزایش می‌یابد. ایجاد کاربری‌های نامناسب در بنا و حضور زیاد گردشگر در آن بدون توجه به ظرفیت تحمل و گنجایش پذیرش مکان و با توجه به حساسیت‌های اکولوژیک و حفاظتی آن، نمونه ای از تشریح فرسودگی بنا می‌باشد که اثر منفی روی بنا دارد و این بار زنده با گذر زمان سبب نشست، ترک در سقف و جداره‌ها می‌گردد. حضور زیاد افراد و گردشگران در بناها با توجه به تغییر کاربری نادرست آن مشکلاتی را در زمینه فاضلاب و تاسیسات آب رسانی نیز ایجاد می‌کند، جداره‌ها را دچار رطوبت زدگی کرده که این امر موجب کپک، قارچ، شوره زدن آن و به هم ریختن چهره اصیل بنا می‌گردد. علاوه بر نکات مذکور نوع و میزان کاربری‌های جدید احتمال بروز حریق را افزایش می‌دهد که به دلیل گذرهای باریک و نبود امکانات آتش نشانی منجر به خسارات جبران ناپذیری در بنا و بافت خواهد شد.

۳-۳- مداخله بیشتر، آسیب بیشتر، هزینه بیشتر

در تغییر کاربری با توجه به تغییر در عملکرد، نیاز به مداخلاتی جهت هماهنگ کردن و منطبق کردن کالبد با کارکرد جدید می‌باشد. این به این معنا نیست که در اثر تداوم کارکرد اولیه نیازی به مداخله نباشد بلکه بحث بر سر میزان مداخله می‌باشد. در اثر

تغییر کاربری میزان مداخله در بنا بیشتر از زمانی است که بنا کارکرد اولیه خود را ادامه می دهد و این امر با نظریه حفاظت افرادی چون فیلدن و داگلاس که بر اصل حداقل مداخله در بناهای تاریخی بسیار تاکید داشتند در تناقض است. در مداخله زیاد چه بسا مداخلات شتابزده و غیر اصولی در بنا صورت گیرد و خسارتی به بنا وارد شود که فاجعه فرهنگی به حساب می آید. حال اگر کارکرد اولیه در خانه های تاریخی که همان سکونت است؛ تداوم یابد میزان مداخله کمتری در بنا صورت گرفته، به تبع آسیب کمتری به بنا می رسد و در هزینه ها نیز صرفه جویی می گردد.

۳-۴- اخلاص در شناخت ارزش های بنا

در فضاهای معماری گذشته لایه های متعددی از ارزش ها، نهفته است. بخشی از ارزش های بنا در قالب حواس اولیه و با دیدن ظواهر و زیبایی ها درک می شود که برای فرد جاذبه حسی ایجاد و او را دچار تحیر، انبساط خاطر و درکی سطحی از بنا می کند. بخشی دیگر از ارزش های بنا از طریق معنادار شدن تجارب حسی پدیده ها ادراک می گردد و از این طریق انسان، روابط امور و معانی بنا را درمی یابد. جهت ادراک بنا و معانی آن، زمان عامل مهمی است. هرچه قدر فرصت ادراک بیشتر گردد، ادراک عمقی تر شده و لایه های عمیق تر ارزش های بنا خودش را عرضه می کند و بدین ترتیب شناخت بیشتری از بنا صورت می گیرد.

در بناهای تاریخی نوعی الگوی بی زمان^{۱۲} زستن، نوعی کیفیت و سبکی زندگی وجود دارد که نمی توان گفت مربوط به گذشته است و امروزی نیست. امروزه نیز با حضور در آن ها فرد از آن کیفیت مطلع می شود و لذت می برد. اگر انسان بپذیرد که با کالبد احاطه شده اش ارتباط و تعامل دارد و این تعامل اقتضای زمانی دارد، بدین معنا که فرد باید در بنا استمرار حضور داشته باشد بنشیند، ببیند و تجربه کند؛ آن موقع تاثیرگذاری مطلوب در فرد ایجاد می شود. این استمرار حضور در بالاترین سطح زمانی محقق می گردد که فرد در آن سکونت داشته باشد و به عبارتی خانه باشد. در این صورت انسان به شناخت از بنا و کیفیت های گوناگون آن چون الگوهای صحیح زیستن، الگوهای صحیح فکر کردن، ارزش های هنجاری و... دست میابد. اما آیا سکونت انسان معاصر در آن امکانپذیر است؟ این سوالی است مهم که در حال حاضر مجال پاسخگویی به آن نیست. با فرض اینکه بتوان راهکارهایی برای تربیت زندگی امروز و هماهنگ کردن آن با این بناها داشت، به نظر می آید این راهکار می تواند فرد را برای کشف امکانات بالقوه بنا مهیا کند. الگوی معماری گذشته این الگوی بی زمان زیستن نباید به صورت مقطعی در اختیار توریست قرار گیرد چرا که توریست در مدت زمان کوتاه نه تنها از بنا شناخت پیدا نمی کند بلکه با تغییر کاربری صورت گرفته با تغییر در مبلمان، تزئینات، ساختار بنا و ... اطلاعات نادرستی را از آن دریافت می کند. باید توجه داشت که بناهای ارزشمندی که برای بسیاری دارای جاذبه های موقتی و مقطعی هستند و باعث سرگرمی و لذت می گردد برای ساکنانش، محلی برای زندگی هستند و بر بقا آن ها تاثیر گذارند؛ نباید اینچنین کارکرد بناها را زایل نمود و تقلیل داد؛ در حالی که مردمان بومی و اصیل، از پتانسیل ها، نقش و کارکردهای تربیتی آن بی بهره اند. بنابراین در وهله اول باید به نیازها و خواسته های ساکنان آن پاسخ داد؛ چرا که از این طریق امکان انتقال ارزش های فرهنگی و معماری توسط افراد بومی به نسل های آینده به مراتب راحت تر انتقال می یابد تا توسط توریست.

۴-۴- در مقیاس بافت

۴-۱- سلب آسایش و آرامش ساکنان محله

تبدیل خانه به هتل، رستوران و ... کاربری است که از بیرون به بافت تحمیل شده است و با این امر مقیاس بهره گیری از یک دانه محلی تغییر کرده و گسترش یافته و تبدیل به یک مقیاس شهری، استانی، ملی و حتی بین المللی شده است. در اثر این تغییر افرادی از اقشار و فرهنگ های گوناگون در بافت حضور می یابند که موجب خدشه در بافت اجتماعی و فرهنگی محل می گردد. حضور و رفت و آمد آنان در بافت که افراد ساکن با آنان آشنایی ندارند موضوع ایجاد یا افزایش ناامنی را بوجود می آورد. این کاربری ها که مخمل نظم و جریان طبیعی زندگی ساکنان در بافت می باشد به گونه های دیگری نظیر تولید حجم زیاد زباله ، ازدحام جمعیت و وسایل نقلیه و ترافیک ، فراز و فرود ناگهانی عملکردی و عدم انطباق تقویم عملکردی، آسایش و آرامش ساکنین بافت تاریخی را سلب می کنند که در ادامه بدان ها پرداخته خواهد شد:

الف. تولید حجم زیاد زباله در بافت: با تغییر کاربری خانه های تاریخی به هتل و رستوران، بوی نامطبوع مواد غذایی در بیشتر ساعات شبانه روز به دلیل پایین بودن ارتفاع دودکش ها جهت جذب مشتری، از طریق کولر و بازشوها در خانه های مجاور نفوذ می کند، این خود می تواند سبب چرب شدن و آلودگی جداره های بنا و ناراحتی ساکنین گردد. همچنین دود حاصل از قلیان در چنین رستوران ها و کافی شاپ هایی برای سلامتی همسایگان مخصوصا قشر سالمند و نوزاد مضر بوده و سبب آزدگی آنان می شود. نکته دیگر تجمع زباله های رستوران ها و هتل ها در مکانی نامناسب می باشد که سبب جمع شدن حشرات، حیوانات و انواع بیماری ها شده، محیط را نامطلوب نمایان ساخته و ایجاد یا افزایش آلودگی بصری و محیطی را به همراه دارد. حتی برخی

همسایگان اشاره داشتند که بوی زباله ها عاملی برای شرمندگی آن ها نزد مهمان هایشان می باشد. تجمع زباله ها علاوه بر آنکه سبب شده محیط نامطلوب نمایان گردد، اثر روانی حاصل از دیدن آن نیز بسیار آزاردهنده است. موارد مذکور که طبق مشاهدات جمع آوری شده سلامت محیط را که یکی از شاخصه های محیط مطلوب است را به خطر انداخته و سبب می شود همین تعداد اندکی از افراد که در بافت سکونت دارند با دیدن چنین مشکلاتی آنجا را ترک کنند.

ب. ازدحام جمعیت، وسایل نقلیه و ترافیک: از نکته های مهم تغییر کاربری خانه های تاریخی، استقرار وسایل نقلیه و ورود آنان به مکان های تاریخی است، در صورتی که ساختمان های تاریخی ظرفیت پذیرش وسایل نقلیه جدید را ندارند. تبدیل خانه های تاریخی به مکان های اداری، هتل و... براساس نیاز جدید ناگزیر از ورود وسایل نقلیه به بافت تاریخی است. در چنین طرح هایی باید مشکل پارکینگ بررسی و به گونه ای حل شود. با توجه به مکان یابی نامناسب و استقرار این بناها در منطقه بازار و گذرهای تنگ آن این مشکل حادث است چرا که در طرح احیای خانه هیچ پیش بینی برای پارکینگ یا ورود سواره به هتل نشده است. به همین سبب افراد با مشکل جدی نبود فضای ورودی و پارکینگ مواجه اند. به دلیل نبود جای پارک، افراد ماشین های خود را در کنار جداره های قدیمی خانه های مجاور هتل، رستوران و... می گذارند که این امر علاوه بر آنکه حال و هوای کوچه های سنتی را از بین می برد، سبب اختلال در رفت و آمد، تداخل سواره و پیاده، ازدحام جمعیت و شلوغی در گذر ارتباطی این کاربری ها در کوچه های باریک می شود که گسیختگی بافت را به همراه دارد. همچنین با اشغال جای همسایگان، چالشی دایمی میان همسایگان با مشتریان و کاربران این بناها وجود دارد.

ج. فراز و فرود ناگهانی عملکردی در بافت: تغییر کاربری خانه های تاریخی سبب شده تا بافت در ساعات خاصی از شبانه روز فعال و در ساعات دیگر غیر فعال گردد. چنین زمان بندی ناهمگن در بافت تاریخی باعث می شود تا در یک زمان محدود پیک فعالیتی، ترافیک، شلوغی و رفت و آمد وجود داشته باشد و در زمان دیگر فعالیت به صفر برسد و بسیاری از کوچه ها خلوت و افراد کمی در آن تردد کنند. مسئله خلوت بودن محلات علاوه بر پتانسیل آرامش محله، مشکلاتی را از لحاظ امنیت و افزایش ضریب بزهکاری ایجاد می کند که این خود تهدیدی برای بافت به حساب می آید و سبب می شود همین تعداد اندکی که در بافت سکونت دارند مهاجرت کنند (مهاجر فرستی) و سبب کم رنگ شدن عرصه زندگی ساکنین و تغییر در الگوی جمعیتی (افزایش مهاجر و کاهش جمعیت بومی) گردد. با حضور بیست و چهار ساعته مردم در قالب تقویم سکونتی که فراز و فرود عملکردها و رفتارها در آن آرام تر و هماهنگ تر است، رفت و آمدها کنترل شده تر شده، افراد محلی یکدیگر را شناخته، امنیت، پایش اجتماعی و سرزندگی به بافت باز می گردد و فرصتی برای افراد بزهکار و معتاد جهت ورود به این خانه ها پیدا نمی شود. زندگی شبانه روزی که به وسیله ساکنین ایجاد می شود به سرزندگی یک محله شهری و خلق یک قلب زنده در بافت کمک می کند.

د. عدم انطباق تقویم عملکردی بناهای تغییر کاربری یافته با سایر بناهای بافت: با تغییر کاربری خانه های تاریخی ساعات کاری عملکردهای جدید با ساعات سکونت عادی افراد مطابقت ندارد. به تعبیری دیگر میان تقویم عملکردی و رفتاری بناهای تغییر کاربری یافته با سایر بناهای بافت تقابل و اختلافی فاحش شکل می گیرد. ساعات فعالیت عملکردهای جدید به گونه ای است که با زمان استراحت سکنه در تداخل است؛ تردهای زیاد و شلوغی فضا تا ساعات نیمه شب بسیار آزاردهنده می باشد و آرامش ساکنان را سلب می کند. این امر نظم، ثبات و آرامش را از ساکنان می گیرد و آلودگی صوتی بوجود آمده سبب اختلال در ساعات خواب ساکنین می گردد.

۴-۲- استثمار و تخریب دانه های همجوار

با تغییر کاربری خانه های تاریخی، بنا نیاز به عملکردهای جانبی پیدا می کند. از آنجا که این خانه های تاریخی براساس پاسخگویی به نیازهای سکونت، بنا شده اند مسلماً با تغییر کاربری، کمبودهایی در بنای جدید دیده می شود. حضور کاربران سودمدار و منفعت طلب به جای کاربران با احساس تعلق و دلسوز در این بناها از یک سو و نداشتن اجازه ساخت و ساز در خانه های تاریخی توسط میراث از سوی دیگر، کاربران را مجبور به خرید بناهای همجوار کرده تا بنا را با عملکرد موردنیاز خود منطبق کنند به عبارتی بنا را به استثمار خود در آورده اند. این امر نه تنها سبب از بین بردن بنا بلکه سبب تخریب بافت نیز می گردد. با خرید خانه های همجوار با قیمت پایین توسط کاربران سودمدار، ساکنین مجبور به کوچ از بافت شده و به دلیل پول اندکی که در اختیار دارند مجبور به سکونت در حومه شهر می شوند که این خود عاملی جهت گسترش شهر می باشد. تخریب بناهای تاریخی پیرامون و متعاقب آن

ساخت و سازهایی که به منظور تأمین نیازهای بناهای تاریخی صورت می‌گیرد کاملاً غیرمجاز و غیراصولی بوده و باعث از هم گسیختگی بافت و قطع هم پیوندی اصیل و ریشه دار و نظام ارتباط بنا با بافت پیرامون خواهد گردید (بیگ زاده، ۱۳۹۲، ۱۴۵).

۳-۴- انشقاق طبقات اجتماعی در بافت

با تغییر ماهیت عملکردی بافت از مسکونی به تجاری، خدمات این بناها با هزینه ای بسیار بالاتر از سطح درآمد ساکنین بافت عرضه می‌شود پیامد این مساله آن است که این بناها در جلب مخاطب محلی ناتوان بمانند و فاصله میان مراجعان بناها و ساکنان افزایش یابد. ایجاد چنین کاربری‌هایی سبب جلب جمعیت دارای درآمد متوسط به بالا جهت رونق بخشیدن به بافت می‌باشد. این راهکار علاوه بر آنکه سبب افزایش بهای املاک واقع در بافت می‌گردد که تا حدی قابل توجیه است؛ زمینه جلب بسیاری از خدمات رفاهی و عمومی و افزایش سطح زندگی در بافت را فراهم می‌کند. اما باید توجه داشت که این قبیل کاربری‌ها در صورتی که بدون بررسی جدی و در نظر گرفتن ملاحظات ظریف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت گیرد می‌تواند به خودی خود منشأ مشکلات حاد دیگری گردد از آن جمله می‌توان به مورد زیر اشاره نمود:

ورود گروه‌ها با درآمد بالا به بافت تاریخی می‌تواند منجر به افزایش فاصله و شکاف طبقاتی و اجتماعی میان گروه‌های ساکن در بافت شده و زمینه بروز تنش‌ها و تغییرات هویتی و فرهنگی و نوعی گسست اجتماعی در داخل بافت را فراهم آورد. هرچند از این معنا نباید ضرورت عدم ورود اقشار دارای درآمد بالاتر به بافت را نتیجه گرفت اما نمی‌توان نسبت به عواقب اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن نیز بی تفاوت بود. (بیگ زاده، ۱۳۹۲، ۵۸) افزایش بهای املاک و فاصله طبقاتی ایجاد شده به تدریج ساکنان بومی بافت را که در بسیاری موارد جز اقشار کم درآمد تا متوسط هستند از بافت تاریخی خارج نموده و آن‌ها را با ساکنان جدید جایگزین نموده از آنجا که ساکنان بومی بافت معمولاً حس تعلق بیشتری نسبت به ابنیه و بافت تاریخی دارند و از ارزش‌های آن آگاه‌اند، لذا می‌توانند به عنوان بهترین حافظان بافت محسوب گردند. جایگزینی آن‌ها با گروه‌های جدید که سلاقی و روحیات متفاوتی داشته و دارای چنان حس تعلقی نسبت به بافت تاریخی نیستند اگر در مقیاس وسیعی صورت گیرد می‌تواند به نوبه خود کلیت بافت را در معرض تهدیدهای قابل توجهی قرار دهد.

۴-۴- کاهش سرانه مسکن در بافت

مسکن به عنوان نیاز اساسی جامعه یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور است که در سال‌های اخیر دچار مشکلات و نابسامانی‌های فراوانی شده است بطوریکه تاکنون این بخش از اقتصاد همچنان در رکود بسر می‌برد. بیکاری و شرایط بد اقتصادی باعث سرازیر شدن روستاییان به سمت شهرها شده و این تعداد از افراد نیز نیاز به مسکن شهری دارند و این به نوبه خود در به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضای مسکن در جامعه تاثیر گذار است به گونه ای که آمارها نشان می‌دهد برای ده سال آینده به پانزده میلیون واحد مسکونی در کشور نیاز است. نمود بیرونی نیاز به مسکن را امروزه در شهرها از جمله شهر یزد از طریق شهرک‌سازی‌های انبوهی که در گوشه و کنار آن ساخته می‌شود می‌توان دید. این در حالی است که در عرصه‌های درون شهری آن، داخل بافت‌ها بخش‌های عمده ای از بناهای مسکونی به دلیل فرسودگی، خالی از سکنه‌ها و یا به فضاهای تجاری، اداری و آموزشی تبدیل شده‌اند. چنین تغییر کاربری‌هایی علاوه بر آنکه فرصت سکونت در خانه‌های تاریخی را می‌گیرند سبب افزایش بهای خانه در بافت تاریخی می‌شوند که همین افزایش قیمت اجازه سکونت به افراد به خصوص قشر جوان داده نمی‌شود و آنان را به حومه شهر سوق می‌دهد. جهت حل معضل ذکر شده سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران باید به درون شهرها جهت حفظ سکونت در خانه‌ها توجه کرده و از ظرفیت‌های موجود در آن استفاده کنند تا از این طریق به بخشی از دغدغه افراد به خصوص جوانان پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری

امروزه تغییر کاربری خانه‌های تاریخی بسیار رایج است و از آن به عنوان تنها راه حفاظت یاد می‌شود، در حالی که این رویکرد آسیب‌هایی را در مقیاس بنا و بافت تاریخی به همراه دارد. تغییر کاربری در مقیاس بنا، مانع از ظهور معنای معماری که حاصل برآیند دو وجه کالبد و کارکرد است، می‌شود و بنا را از ماهیت و فلسفه وجودی خود که همان سکونت است دور می‌کند. با تغییر کاربری و حضور جمعیت زیاد بدون در نظر گرفتن ظرفیت بنای تاریخی احتمال آسیب‌های کالبدی، فرسایش و تخریب بنا افزایش می‌یابد. با تغییر کاربری خانه‌های تاریخی جهت مطابقت میان کالبد و کارکرد جدید می‌بایست مداخلاتی در بنا صورت گیرد. این مداخلات علاوه بر آنکه هزینه بیشتری نسبت به زمانی که کارکرد اولیه در آن تداوم یابد، صرف می‌شود احتمال ایجاد آسیب‌های کالبدی در آن نیز بیشتر است. با تغییر کاربری خانه‌ها و حضور مقطعی کاربر در آن، به دلیل مدت زمان کوتاهی که در بنا حضور دارد شناخت ارزش‌های آن میسر نیست، به علاوه تغییر کاربری صورت گرفته در بنا با تغییر در مبلمان، تزیینات، ساختار و... داده

های نادرست به کاربر منتقل می گردد که هیچ سختی با اصالت بنا ندارد. اما تغییر کاربری خانه ها تاریخی در مقیاس بافت نیز آسیب هایی را به دنبال دارد از جمله می توان به سلب آسایش و آرامش ساکنین محله در اثر ازدحام جمعیت، وسایل نقلیه و ترافیک، تولید حجم زیاد زباله، فراز و فرود ناگهانی عملکردی در بافت و عدم انطباق تقویم عملکردی بناهای تغییر کاربری یافته با بناهای مسکونی بافت، اشاره کرد. همچنین در اثر تغییر کاربری خانه های تاریخی، بنا به عملکردهای جانبی نیاز پیدا می کند که برای حل این موضوع بناهای مجاور خریداری شده و به اختیار و استثمار عملکرد جدید در می آید. نکته دیگر آنکه با تغییر کاربری خانه ها به تجاری، بهای زمین افزایش یافته و رفته رفته سبب مهاجرت ساکنین بومی و حضور افراد با قشر در آمد متوسط به بالا می شود که هیچ تعلق به خانه و بافت تاریخی ندارند و این خود تهدید برای بافت به حساب می آید. در نهایت تغییر کاربری خانه های تاریخی علاوه بر آنکه فرصت سکونت در آن ها را از افراد می گیرد؛ با افزایش بهای خانه ها، افراد به خصوص قشر جوان توانایی خرید خانه ها را نداشته و آنان را به حومه شهر سوق می دهد و سبب تخلیه بافت تاریخی و رشد افقی شهر می شود. با توجه به آسیب های مذکور در خصوص تغییر کاربری خانه های تاریخی به نظر می رسد، شناخت و فهم میراث ارزشی گذشته که یکی از اهداف مهم پروژه های احیا در ایران می باشد حاصل نمی گردد؛ چرا که این شناخت با احیا خانه های تاریخی به مثابه خانه و از طریق باز کاربری و سکونت در بنا حاصل می شود. در ادامه خلاصه مطالب مطرح شده، که می بایست در حین پروژه های احیاء مدنظر قرار گیرند، در قالب یک نمودار ارائه شده است (نمودار شماره ۱).

پی نوشت

- 1- The Nara Document
- 2- The Declaration of Dresden
- 3- The Declaration of Lozan
- 4- The UNESCO Recommendation
- 5- The Budapest Statement
- 6- The Council of Europe
- 7- The Declaration of Stockholm
- 8- (استراوس و کوربین، ۲۰۰۹) Grounded Theory

۹- یکی از حالت هایی که می توان در امر احیاء بناهای قدیمی مشاهده نمود احیای بناهای قدیمی از طریق تعریف عملکرد جدید برای آن ها است. بدین ترتیب که وقتی فعالیت در یک بنا به هر دلیل متوقف گردد، بنا فلسفه وجودی خود را از دست داده، متروک شود و رو به تخریب گذارد، برای فعال نمودن مجدد، آن را با در نظر گرفتن تمهیداتی خاص، برای انجام فعالیت جدید، در نظر می گیرند. البته این امر در شرایطی تحقق می یابد که بنا قابلیت پذیرش عملکرد جدید را داشته باشد. تبدیل یک خانه قدیمی به هتل، رستوران، دانشکده و تبدیل حمام به چایخانه از جمله مصادیق عملی این شیوه از احیاء می باشد که از آن به عنوان طرح باز کاربری غیر مستقیم (تغییر کاربری) می توان نام برد. (میرجانی، ۱۳۸۸، ۵۹).

۱۰- اصالت یکی از جنبه های حیاتی و سرنوشت ساز در ارزیابی منابع میراث فرهنگی است. به طور کلی اصالت به منبع میراث فرهنگی اطلاق می شود که از لحاظ مادی اصل یا واقعی (همانگونه که ساخته شده) و به همان صورت که زمان از سر آن گذشته و در بستر زمان دگرگون شده، باشد. Authenticity، واژه اصیل (Authentic) یعنی اصلی، دست اول (در مقابل نسخه بدل) یا به معنای واقعی، حقیقی (در مقابل دروغی و متظاهرنه). (Feilden, 2003, 20)

۱۱- حفاظت در معنای عام آن هنگامی که معادل کلمه Conservation فرض شود به معنای نگهداشتن چیزی در وضعیت اصیلش و به دور از آسیب و خطراتی که آن را تهدید می کند است (gove, 1993, 483). حفاظت، بناها را در شکلی که بوده نگه می دارد نه در شکل جدید.

- 12- Timeless

منابع

- ۱- برنارد فیلدن، یوگا یوکیلتو، معلمی، بهرام، ۱۳۸۲، ارزش گذاری به منظور حفاظت، مجله هفت شهر شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۲- بیگ زاده، حمیدرضا، ۱۳۹۲، بناهای میان افزا دریافت تاریخی، انتشارات آدرخش.
- ۳- حبیبی، محسن، ۱۳۹۱، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- عباسی هرفته، محسن، ۱۳۹۴، شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران، انتشارات دانشگاه یزد.
- ۵- عباسی، محسن، ۱۳۹۲، تبیین سنت حفاظت در مسجد جامع اصفهان انشاء اصول مداخلات حفاظتی با تکیه بر شواهد سنت مداخله در این مسجد، رساله دکتری رشته مرمت بنا، دانشگاه هنر اصفهان.

۶- میرجانی، حمید، ۱۳۸۸، زندگی امروز کالبد دیروز بازنگری تجربه شکل‌گیری دانشکده معماری یزد در خانه قدیمی مرحوم رسولیان، پایان نامه ارشد دانشگاه هنر و معماری یزد.

- 7- Douglas, j. 2002. Building Adaptation. Oxford: Butterworth-Heinemann.
- 8- Feilden, B. M. (2003) Conservation of Historic Building, third ed. Burlington: architectural press ington: architectural .
- 9- Gove, P . D.(ed.) 1993. Webster s third new International Dictionary of English Language Unabridged. Springfield, Massachusetts: Merriam- Webster Inc.

